

انکه باشد ازشت تا شاد غایت عمر کی تا صد سال بود زمان بخواند
 و فرزند آن برانده و عمارت بنا کنند آن عابدی که گفت در چنین مدت
 سبیل مشغول شود بدین چیزها اگر عمر آن است اربوبی در دو و رکعت نماز
 صرف کردی **در فضیلت سجای آوردن نماز خلاصه تحقیق** مرویست که
 ابراهیم بن حاتم صلوات الله علیه زراعت میکرد و زمین آب میداد و چون در
 نماز رسید نماز مشغول شد حق تعالی ملائکه را فرمود و بپندید سبوی بنده را
 او نماز را عادت نیا میکند و هم زراعت را خیرت **شیخ ابوبکر** و راقی گفت
 رفته اند علیه کمن چهار کتاب و نماز هجده رکعتی بر حق تعالی بر این منزلت را
 است بخوانم و معصوم و معصی آنرا نیکو نم کردم و معصومین بود که ملائکه
 جیت را در حق تعالی در آفریدن این خلق پس بیستم مراد و دید چیزی
 تعظیم داشتن فرمای خدا بر او و در تعظیم خلق خدا بر او و جل و ان شرفت
 است بر خلق خدا بر او و جل و ان شرفت نیست از او که میگذرد و ملائکه را از او
 ندانست بفرزندان و مراد فرزندانی و غنیمت و ابرید مرا شاید که باشد
 دیگر ترا بعد از من نیست از کسی که ملائکه میگوید فرزندانی و غنیمت
 مرا شاید که بعد از من نیست بفرزندان و از تقسیم معنی **در تفسیر** است که
 چون از او جدا شد آن بفرزندان او را بصورت نیکوار و اندام و را که بپندست با حق
 از بس او میرود بفرزندان او را و او را که بپندست بفرزندان او را بصورت نیکوار و اندام

او را بپندست بفرزندان او را و او را که بپندست بفرزندان او را بصورت نیکوار و اندام
 عزوجل گفت که ای بنده من منی فریدم ترا تا تو مرا پرستی و بلی دانی و مید
 از من داری من آمرزگار تو ام یا هر چه داری قبول است و اگر پیش من
 آیی و روی من بپرازدگی و داری آمرزش پیش از آن دارم پس از آنکه بپرا
 زگی نیاورد و باشی **و در حدیث** علیه السلام خسته بود در سایه دیوار یک
 عورتی سیاه و پای زرد و بانگ زد و پیدار گرفت بر خیز ازین سایه علی
 السلام برخاست و در اشباب شد و می گریست آن زن سیاه و معذرت
 اخوا کرد علی السلام گفت من این را نیکویم که بر من بانگ زد و پیدار کردی
 و لیکن از لطف پروردگار و بیکدیگر که مرا نکرده است غافل از طاعت خود را
خلاصه تحقیق و در حدیث مروی اینک را گفت که مرا وصیت کردند گفت
 وصیت میکنم بحسب که بهتر از مرا حدیث که نوشته ام اول آنکه مشغول
 بفرغ دل بخدمت پروردگار باشی و در کمال مشغول شوی و در زمان بخدمت تو
 دوم و در کتب طبع خود را از خلق تا در دلت نرسد مردمان عداوت را از تو
 سوم نگاه دار خلق خود را تا نیاید تا یالی از چشم خدای عزوجل و چنان
 نوری را دیده اند علیه السلام گفته عجبت برت نزدیک تولدت مردی که خدا
 عزوجل می فرستاد و او را طاعت می گفت **و در حدیث** حق تعالی
 در توبه است که کسی استی فرزند آدم بدست که تو مرا از این بدست بدار